

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طلاق حلال است؛ هر چند بدترین حلال باشد!

(ترجمه)

اسلام، قانون کامل زندگی بوده که تمام راه‌های اشباع حاجات عضوی و غریز انسانی را بدون این‌که این راه‌حل برای خود انسان و یا دیگران سبب مشقت و دشواری گردد، در بر می‌گیرد. اسلام برای تمام مشکلاتی که پیش می‌آید، راه‌حلی را در نظر گرفته است و این یگانه دینی است که خالق بشر آن را برای بندگانش پسندیده تا زوجین با زندگی گوارا ادامه‌ی حیات کرده و از خالق‌شان راضی باشند. اسلام غریزه‌ی نوع و حفظ نوعیت بشری را مانند دیگر غریز به انسان یاد داده، طریقه‌ی شرعی‌اش را نیز بیان کرده و برای حفظ و اشباع‌اش از دواج را سنت قرار داده تا رابطه‌ی مقدس بین زوجین تأمین گردد؛ رابطه‌ای محکمی که هر دوی‌شان را جمع می‌نماید. در زمینه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمُ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُم مِّيثَاقًا عَلِيمًا﴾

[نساء: 21]

**ترجمه:** و چگونه آن را باز می‌ستانید؛ حال آن‌که به یکدیگر رسیده‌اید (و با هم آمیزش کرده‌اید) و زنان از شما پیمان استوار گرفته‌اند.

هر آن کسی که به الله سبحانه و تعالی ایمان دارد، به‌خاطر اشباع غریزه‌اش به‌غیر از این رابطه، به راه‌حل دیگری نرود. از همین جهت است که اسلام برای "انتخاب بهتر" تأکید نموده و آن انتخاب بهتر اینست: "مردان پاک برای زنان پاک" تا این شراکت در طول حیات، متین، قوی و دائم باشد.

احتمال دارد، گاهی زن و گاهی هم شوهر در انتخاب خود اشتباه نمایند که در نتیجه پیوندشان نیز فاسد شود؛ در اثر اختلاف مزاج و تقاضاهای منحصر به‌فرد و یا به‌اثر اختلاف و نبود محبت در بین‌شان؛ سرانجام این زندگی مشترک به‌تباهی کشیده می‌شود که در این‌صورت طلاق یگانه راه نجات آن‌ها محسوب می‌گردد.

آری، اسلام طلاق را مشروع قرار داده و این را بدترین حلال نیز دانسته که در برخی حالات از زوجیتی که توافق زوجین و زندگی مشترک بین‌شان امکان‌پذیر نباشد، طلاق بهترین راه‌حل می‌باشد. برای این‌که این خالی‌گاه خطرات و خرابی دیگری را متوجه تمام جامعه نسازد، اسلام، طلاق را مشروع قرار داده است. همچنان، برای این‌که پس از تخریب رشته‌ی توافق و محبت بین زوجین، روابط بیشتر ملوث نگردد، اسلام طلاق را مشروع ساخته است؛ چون الله سبحانه و تعالی طبیعت و سرشت مخلوقات خویش را درست می‌داند؛ پس در انحلال زوجیت نیز اختیار داده تا زوجین از "حلال" استفاده نمایند و در جدایی نیز مسیر هوی و هوس را که پروردگار دوست ندارد، اختیار نکنند.

برخلاف اسلام، نصرانیت این امر را ناپسند خوانده و برای زوجین طلاق را اجازه نمی‌دهد؛ چون زوجیت را مطلقاً یک رابطه‌ی مقدس تعبیر نموده و مرد را مکلف ساخته که در طول حیات‌اش با یک زن زندگی را ادامه دهد. در عین حال، زوجین را مکلف ساخته تا در تعهد رابطه‌ی مقدس زناشویی با یکدیگر امین باشند؛ پس نصرانیت طلاق را از اساس به‌حیث یک قاعده‌ی عمومی تحریم کرده است. در واقع دیده شد که این سخت‌گیری، زندگی زوجیت را به‌مشکلات زیادی سردچار کرد؛ زندگی مشترک را ناممکن ساخت؛ هرکدام زوجین هوای نفس خود را محکم گرفتند و رابطه‌ی فامیلی و اجتماعی منجر به فساد گردید. جامعه‌ی کلیسا که بیشتر بر منبع اصلی خود (کتاب مقدس) معتقد

است، در خصوص ازدواج صراحت دارد: «هر آن کسی که همسر خود را به علت زنا طلاق می‌دهد؛ یعنی این که خانم اش زنا کرده و یا کسی که با زن مطلقه ازدواج نماید؛ در حقیقت وی زنا کرده است.» اما به اثر وجود قوانین سختگیرانه اش، کلیسا در مشکلات پیش آمده‌ای زوجیت بی جواب مانده و خلاف معتقدات خود ناگهان دست به وضع قوانین و اجتهاداتی زد که طلاق را ضمن شرایط خاص، امر پسندیده تلقی کرد؛ از جمله اگر یکی از زوجین مرتکب زنا شود که رابطه‌ی مقدس زوجیت را کثیف سازد و یا زوجین به مصیبت‌های همچون دیوانگی و مصاب شدن زوجین به مرض لاعلاجی که زیان‌های زیادی متوجه زندگی مشترک زوجین و یا اولاد آن‌ها شود و یا زوجین بدون اجازه‌ی همدیگر بیشتر از سه سال غائب شوند و یا این که اصلاً ازدواج بدون رضایت زوجین عقد شده باشد؛ پس ضمن شرائط مذکور، طلاق را امر پسندیده دانسته‌اند.

این موقف کلیسا بود که رابطه‌ی ازدواج را مطلقاً یک رابطه‌ی مقدس دانسته که باید بدون طلاق ادامه پیدا کند؛ با وجود آن، در مقابل مشکلات فوق، که زندگی مشترک فامیل‌ها را ناممکن می‌سازد، خلاف معتقدات خود، طلاق را منحیث راحل تلقی نمود.

موقف‌گرایان دیگر، آزادی‌خواهان و فمینیست‌ها اند که به مجرد زیستن بدون رابطه‌ی زوجیت، فراخوانده و به فرد و جامعه اجازه می‌دهند که طبق خواسته و هوای نفس خود زندگی کنند. این موقفی است که اصحاب آن در پی تخریب خانواده و نظام فامیلی می‌باشند. یکی از نویسندگان مکتب وجودی خانم "سیمون دی بوفوار" معتقد است که: «ازدواج، زندان ابدی برای زن است که همه آرزوها و آراش را از بین می‌برد.» همچنان خانم مذکور سازمان زوجیت را سازمان جبر برای زنان تعبیر کرده که از بین بردن و الغای آن را حتمی می‌داند. از همین جهت است که فمینیست‌ها بر "آزادی‌ی رابطه و آزادی‌ی جدائی بین زن و مرد و یا بین همجنس‌بازان معتقد اند" پس این‌گونه موقف‌گیری، زندگی را بی‌بهره ساخته و سبب اختلاط نسل‌ها شده و خانواده و جامعه را خراب و فاسد می‌سازد.

اما دین اسلام، قانون الهی است که بهترین راه را برای حیات انسان‌ها ترسیم نموده است؛ پس بهتر از خالق، کی داناتر به مخلوق و کی تواناتر به تنظیم زندگی و اعمال انسان‌ها می‌باشد؟!!

الله سبحانه و تعالی است که ازدواج را مشروع ساخته تا به واسطه‌ی آن انسان‌ها غرائز خود را اشیاع نموده، در نتیجه تکاثر و تناسل نمایند و نوع بشریت در زمین ادامه پیدا کند. برای تحقق این هدف اسلام به انتخاب همسر بهتر تشویق کرده تا زندگی بدون تزلزل ادامه یابد؛ اما با وجود این هم، شیطان در این میان کار می‌کند تا در میان زوجین تفرقه را ایجاد نماید. در زمینه، رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم می‌فرماید:

«إِنَّ إبليس يضع عرشه على الماء ثم يبعث سراياه فأدناهم منه منزلة أعظمهم فتنة يجيء أحدهم فيقول فعلت كذا وكذا فيقول ما صنعت شيئا قال ثم يجيء أحدهم فيقول: ما تركته حتى فرقت بينه وبين امرأته قال فإدنيه منه ويقول: نعم أنت...»

**ترجمه:** ابلیس عرش خود را بالای آب می‌گذارد؛ بعد از آن لشکر خود را می‌فرستد؛ نزدیک‌ترین فرد لشکرش کسی است که به ایجاد بزرگترین فتنه موفق شود. فردی آمده گزارش می‌دهد که فلان فلان کار را انجام دادم، ابلیس می‌گوید که هیچ چیزی را انجام ندادی؛ باز یکی دیگرش می‌آید و می‌گوید: رهای‌شان نکردم تا این‌که در میان زن و شوهر جدایی افکندم؛ پس ابلیس آن فرد را نزدیک خود خواسته و برایش می‌گوید: بلی، تو بهترین کار را کردی!

تفرقه بین زوجین از جمله‌ی اعمال شیطان است و بدترین حلال نزد الله سبحانه و تعالی محسوب می‌شود. پس از آن‌که هرگونه سعی برای خاموش کردن آتش اختلاف در زندگی زوجین ناممکن گردد، طلاق یگانه راحل باقی می‌ماند که در این صورت انحلال زوجیت بهتر از تباهی و خطرات زندگی است.

اسلام آمده تا جوامع را از هرگونه مشکلات، افکار فاسد و روابط غلط پاک سازد و در مقابل مفاهیم و روابط پاک را در جامعه نهادینه نماید تا جامعه کاملاً صاف گردد. اسلام برای تداوم زوجیت، افکار و راه‌حلی؛ مانند: رحمت و شفقت را پیشکش می‌کند؛ هرگاه بدبینی و کینه جای‌گزین آن شود، راه‌حل جدائی را در نظر دارد.

الله سبحانه و تعالی به این موضوع سوره‌ی کامل "طلاق" را اختصاص داده و به‌گونه‌ای مختصری در سوره‌ی بقره، از آن سخن گفته و احکام‌اش را بیان نموده تا مردم مانند این‌که پروردگار خویش را می‌پرستند، مطابق این حکم نیز به پیش بروند تا به‌سبب آن جامعه حفظ مانده و هرگاه سلولی از سلولی جامعه به مشکلی مواجه گردد، از لغزش‌ها در امان بماند. در این دین عظیم، راه‌حل‌هایی وجود دارد که جامعه را از مشکلات حفظ و ثبات می‌دهد.

اسلام، سراپا خیر است. هر از گاهی در امری از امور؛ اگر برای ما به‌گونه‌ی شر ظاهر گردد، بر مقتضای حالش حکم می‌نماییم؛ از خفاء و پنهانش؛ جز الله سبحانه و تعالی هیچ‌کسی چیزی نمی‌داند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

**(وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ)**

[بقره: 216]

**ترجمه:** نزدیک است چیزی را ناپسند بدانید؛ در حالی‌که آن برای‌تان خیر باشد و نزدیک است چیزی را دوست بدارید؛ در حالی‌که آن برای‌تان شر باشد. الله می‌داند و شما نمی‌دانید.

در طلاق هر آن‌چه به‌نظر شما بد باشد، آن به اذن الله سبحانه و تعالی خیر برای زوجین، فرزندان و در عموم برای خانواده بوده و انحلال آن بهتر از بقایش خواهد بود؛ چون ممکن است در صورت بقاء، زندگی را به‌تباهی کشانیده، بدبختی و مفاسد دیگر را در پی آورد.

ازدواج، پیوند محکم و ناگسستنی‌ست که اسلام بدان تشویق کرده تا این پیوند بر پایه‌های محکم و ثابتی از محبت و رضایت الله و احکام آن بنا شود تا در برابر مشکلات و اختلافاتی‌که در آینده دامن‌گیر زوجین خواهد گردید، باثبات بمانند. این همان چیزی‌ست که الله سبحانه و تعالی برای بندگانش مشروع ساخته تا خانواده در میان خود با دوستی، محبت و رحمت آمیخته شوند و جامعه هم به‌همین اساس بنا یابد و همه افراد جامعه برای بدست آوردن رضایت پروردگار آسمان و زمین رقابت و سعی نمایند. هرگاه این پیوند با خلل و نقصی مصاب گردد، در زمینه، راه‌های حل زیادی وجود دارد که شریعت الهی بدان تفصیل داده است.

**نویسنده: زینت صامت**

**برای رادیوی مرکزی حزب التحریر**